

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال بیست و هشتم، دوره جدید، شماره ۳۸، پیاپی ۱۲۸، تابستان ۱۳۹۷

بررسی استحکامات مرزی و تدافعی اشکانیان و شگرد آن‌ها در مرزداری^۱

حمید کاویانی پویا^۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۷/۷

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۴

چکیده

اشکانیان به عنوان احیاگران حکومت ایرانیان، پس از دفع سلطه بیگانگان، خوی و خصیصه ایرانی خود را نمایان ساخته و با سیاست‌هایی که در راستای کشورداری پیش گرفتند، بر پیوند خود با فرهنگ و جامعه متمدن ایرانی وضوح بخشیدند. بدین سان محوریت این پژوهش بر آن مبناست که: این دولت ایرانی در حفظ قلمرو و حراست از مرزهای کشور چه راهکاری را در پیش گرفته و چه شواهدی از تلاش آنان در این عرصه موجود است؟ همچنین با توجه به این که از ویژگی‌های تمدن؛ نحوه بنیاد شهرها و پیشرفت در فناوری است، اشکانیان به عنوان سلسله‌ای ایرانی در بنیاد استحکامات مرزی و معماری قلاع دفاعی و شهرهای مستحکم چگونه عمل کردند و بهره‌گیری آن‌ها از فناوری معماری تا چه میزان در

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2018.17412.1485

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ kavayani@uk.ac.ir

پاسداری از مرزها موثر واقع شد؟ براین مبنا پژوهش حاضر با تکیه بر منابع و پژوهش‌های تاریخی و همچنین بهره‌گیری از یافته‌های باستانشناسی، با رویکرد به روش توصیف و تحلیل اطلاعات بدین نتیجه نائل آمده است که اشکانیان با توجه به پیشینه فرهنگی - تمدنی خود و خودآگاهی از قلمرو تمدنی ایران زمین، خویش را موظف به حراست از مرزها و حفظ سرحدات دانسته و بدین منظور افزون بر ایجاد مرزهای طبیعی و تأکید بر آن‌ها، از هنر معماری نظامی نیز بهره بردند. بدین سان با بنیاد استحکامات مرزی و شهرهایی دایره‌ای شکل با دیواره‌های دفاعی و دارای چندین خط دفاعی در تعیین قلمرو و نگاه داشتن مهاجمان در آن سوی مرزها، به شیوه آسان‌تر و به طور مطلوبی عمل کردند.

واژه‌های کلیدی: استحکامات مرزی، اشکانیان، مرز، قلمرو، مرزبانی.

مقدمه

چگونگی دفاع از سرحدات و به‌طور کلی راهکارهای مختلف برای جلوگیری از یورش بیگانگان به قلمرو یک کشور در نزد دولت‌ها و حکومت‌های باستانی به گونه برجسته‌ای با یکدیگر تفاوت داشته و نمی‌توان برای تمامی قدرت‌های کهن یک نگرش به قلمرو و یک روش برای دفاع از آن را در نظر گرفت. در این بین برخی دولت‌ها با ایجاد مرزهای طبیعی و مصنوعی و همچنین بنا کردن شهرهای مستحکم بهترین مانع را در مقابل یورش‌ها ایجاد کردند و بدین ترتیب بارها توانستند بزرگ‌ترین قدرت‌های زمانه را در دستیابی به خواسته‌های خویش ناکام گذارند. در واقع اشکانیان به روش‌های گوناگون پیروی و میراث‌داری خود از سلسله پیشین ایرانی و ضدیت و مخالفت خویش با فرهنگ یونانی مآبی را به نمایش گذاشتند. آنان همچنین ضمن پذیرش اصل خودمختاری شهرهای یونانی، با استقرار سربازان پارتی به فرماندهی فردی ایرانی در درها، در برابر تلون مزاج یونانیان اقدامی احتیاطی می‌کردند. اشکانیان که از آغاز در معرض تهدید لشکرکشی‌های سلوکیان و بعدها در مقیاسی وسیع‌تر حمله رومیان و ممالک شرقی قرار داشتند، نمی‌توانستند نسبت به تعیین قلمرو و پاسداری از آن سهل‌انگاری کنند. با این مقدمه آنچه به عنوان مسئله اصلی

در پژوهش پیش رو مورد بررسی قرار گرفته این است که: اشکانیان در پاسداری از مرزهای کشور دارای چه نگرشی بوده و به چه روش‌هایی متوسل شدند؟ از سوی دیگر این قوم ایرانی در بنیاد استحکامات دفاعی و معماری شهرها و دژهای مستحکم چگونه عمل می‌کرد و در زمینه معماری این بناها از چه شیوه استفاده می‌کردند و نهایت اینکه این ساختار تدافعی در حراست از مرزها تا چه میزان مؤثر بود؟

درباره پیشینه پژوهش گفتنی است که پژوهش‌های صورت گرفته درباره تاریخ اشکانیان در خصوص مرزداری و شیوه نگاهداشت و حراست از قلمرو به بحث و بررسی نپرداخته‌اند و به‌ویژه درباره استحکامات مرزهای عصر اشکانیان تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است و تنها در پژوهش‌هایی به صورت پراکنده و در لابه‌لای مطالب دیگر به برخی استحکامات مرزی در شرق و یا غرب قلمرو این سلسله ایرانی اشاره‌هایی شده است و یا در تک‌نگاری‌هایی که در خصوص تاریخ اشکانیان نوشته شده می‌توان به صورت مختصر به مباحثی از این قبیل برخورد کرد که در این پژوهش سعی شده از تمامی اطلاعات مندرج در این آثار استفاده گردد.

همچنین پژوهش پیش رو برای پاسخ به ابهامات و مسائل فوق‌الذکر از طریق مطالعه و بررسی منابع تاریخی و اسناد و شواهد به‌دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی، به گردآوری اطلاعات پرداخته و سپس با چینش و پردازش داده‌ها، مطالب را به گونه‌ای توصیفی مطرح و با تحلیل داده‌ها برای دستیابی به نتیجه‌ای علمی بحث را به پیش برده است. درباره اهمیت و ضرورت مسائل مطرح شده در این پژوهش نیز گفتنی است که وجود مرز و قلمرویی مشخص در نزدیک کشور، دلیل اصلی وحدت سیاسی اقوام در یک قلمرو جغرافیایی بوده و آگاهی از هویت ملی وابسته به این است که ساکنان یک سرزمین از مرزهای سرزمین خویش و حدود قلمرو خود آگاه باشند. اما مهم‌تر از آن چگونگی نگرش حاکمیت سیاسی به قلمرو جغرافیایی و تلاش و کوشش سردمداران در حفظ و نگاهداشت مرزها، افزون بر این که خودآگاهی آنان را از مرز و بوم و تاریخ گذشته هویدا می‌سازد، نمایانگر شگرد و اقدامات حکومت‌ها در چگونگی رفع تهاجمات و حفظ امنیت است. بدین سان پیگیری نوع نگرش اشکانیان به مرز و مرزداری و اقدامات آن‌ها در حفظ و حراست از مرزها، که در استحکامات مرزی متبلور است، در روشن شدن تاریخ سیاسی این

سلسله ایرانی و پیش‌سیاسی و تاریخی آنان مهم بوده و به طور غیرمستقیم تأثیرپذیری آنان از فرهنگ و کنش ایرانی (هخامنشی) یا انیرانی (یونانی) و همچنین توانایی آنان در اداره کشور را مشخص می‌کند.

نگرش اشکانیان به قلمرو و عملکرد آنان در حراست از مرزهای کشور

با حمله اسکندر و آشفته‌گی در اوضاع ایران و مختل‌گشتن نظام کشورداری هخامنشیان، سلوکیان بر قلمرو هخامنشی حاکم گشتند، اما آن‌ها نیز تا حدود بسیاری همان نظام کشورداری هخامنشیان را در پیش گرفتند و هنوز سنت سپردن ایالات به ساتراپ‌ها و تداوم اداره کشور توسط ساتراپی‌ها (خشتره پاون) که از نظام مرکزی دستور می‌گرفتند، در دوره سلوکی ادامه داشت (نک: بیکرمان، ۱۳۷۳: ۱۰۶؛ دیاکونف، ۱۳۵۱: ۲۰). این میراث‌داران اسکندر براساس ضرورت به تعیین مرزها نیز اندیشیدند و به نوعی برای تعیین قلمرو خویش و حفظ و حراست از آن در برخی مناطق، استحکامات مرزی بنا کردند. مهم‌ترین این استحکامات در مقابل نخستین تهاجمات و تکاپوهایی قوم پرنی/اپرنی، که اشکانیان بدان منتسب بودند، به سال ۲۸۲ ق م ایجاد شد که متصرفات مقدونیان را از شمال شرقی مورد هجوم قرار دادند و در این تهاجمات دو شهر مرغیان (مرو) و هرکلیه در آریا (هرات) ویران گردید. در مقابل نیز سلوکوس اول در پایان پادشاهی خود سردار خویش دمودام (دموداموس) را در رأس سپاهی روانه آن نواحی نمود و سپس سلوکیان (در زمان آنتیوخوس اول با عقب‌راندن قوم داهه) به بازسازی این شهرها مبادرت ورزیدند. این دو شهر با نام‌های جدید انطاکیه و اخائیه معروف گردیدند و برای مرو دیواره‌های دفاعی به ارتفاع ۲۰ متر و به طول ۲۷۳ کیلومتر که دور شهر را می‌گرفت بنا گردید (زیمال، ۱۳۷۳: ۳۳۹؛ بیکرمان، ۱۳۷۳: ۱۰۳). بدین ترتیب اولین دژهای مستحکم سلوکیان در سوگدیا، مارگیانا و باختر برای حفاظت از مرزها، که از دریای خزر تا هندوکش کشیده شده بود، ساخته شد (Strootman, 2015) که البته با قدرت‌گیری اشکانیان، این استحکامات مرز شرقی این سلسله نوپا شد.

اشکانیان نیز البته پس از قدرت‌یابی بسیار پیش‌تر از دولت بیگانه سلوکی عمل کردند و آنان که براساس منابع و شواهد باستانشناسی به مراتب در کشاورزی و فعالیت‌های صنعتی و

رقابت با دیگر امپراتوری‌های هم‌تراز، موفق‌تر از اسلاف خود بوده‌اند (Wenke, 1981; 303) در زدودن نابسامانی مرزها و تشکیلات تا بدانجا پیش رفتند که به گفته آمین مارسلن «ایران را پُر از شهر و اردوگاه‌های مستحکم و قلعه‌های نظامی کردند» (لوزینسکی، ۱۳۸۰: ۵۷). جالب این‌که مشخص کردن محدوده‌ای برای قلمرو خویش را اشکانیان از همان روزگار نخستین بانیان این سلسله در نظر داشتند، به طوری که گفته می‌شود ارشک اول پس از کامیابی در مقابل یورش سلوکوس دوم (۲۲۵-۲۴۶ ق م)، ارتشی به وجود آورد و قلعه‌ها و شهرهای مستحکم بنا نمود و توانست مواضع خود را در شمال شرق تحکیم بخشد و به تقویت و تحکیم قشون و قصبات خویش پردازد (Justin, 1853: 275). بدین نحو می‌توان هیرکانی و پرثوه را در شرق از اولین ولایاتی دانست که پارت‌ها موفق شدند از سلوکی‌ها جدا کنند (Chaumont, 1973: 206). البته این مناطق را باید شرقی‌ترین مرز قلمرو پارتیان پنداشت که حتی در روزگار ضعف و مواجهه با قدرت‌های بزرگی چون کوشانیان سعی در حفظ این ثغور شرقی داشتند.

بدین سان از همان ابتدا شهریاران اشکانی با قرار دادن مرزی طبیعی و مصنوعی سعی در مشخص ساختن حدود و ثغور قلمرو خویش داشته و دشمنان را فراسوی این مرز قرار دادند. به این منظور مهرداد اول (۱۶۵-۱۳۲ پ م) با شکست هلیوکس آخرین پادشاه یونانی و سیت‌هایی که نواحی مهمی چون بلخ و بامیان را تحت تصرف خود قرار داده بودند، از طریق حضور در شرق و نگاه‌داشتن این مهاجمان در آن سوی آمودریا، موفق گردید مسیر «هیرمند» را به عنوان مانع و مرز طبیعی بر سر راه تهاجم سیت‌ها مشخص و معین سازد و با در اختیار گرفتن دو شهر مهاجرنشین و راهبردی هرات (اسکندریه آریون) و قندهار (اسکندریه آراخوتیس) این مرز را کنترل و از این مناطق دفاع کند (ورستاندیک، ۱۳۸۶: ۹۴-۹۵). بعدها نیز اشکانیان از این مناطق طبیعی به سبب کارآیی مطلوب آن‌ها به عنوان مرز بهره بردند، به گونه‌ای که ایشان در قسمتی از شرق سرزمین خود در برخورد با کوشان‌ها «نواحی بیابانی» را مرز قلمرو خویش قرار داده بودند که امروزه نیز با اندکی تغییر خط مرزی ایران و افغانستان محسوب می‌گردد. (گیرشمن، ۱۳۸۵: ۲۵۴). بر این اساس طبق موارد فوق‌الذکر در روزگار اشکانی، مرز غربی تخارستان و یا حوالی آن، بایست مرز شرقی ایران تلقی شده باشد. این مرز در امتداد به سوی شمال به رود جیحون می‌پیوست و از

تخارستان که به سوی جنوب، به سرزمین‌هایی (مانند زابلستان و سکستان تا جوار رود هیرمند و کابل) می‌رسید که تحت فرمانروایی خاندان سام بود (نک: انوری، ۱۳۸۹: ۳۳-۳۵).

خود آگاهی تاریخی اشکانیان از قلمرو و کشوری که در دوران هخامنشی با عنوان آریا^۱ و کشور آریایی مطرح و شناخته شده بود، (Kent, 1953; DBII, 130. Dse, 141) سبب گردید که آنان به عنوان میراث‌داران این سلسله خواستار بازگرداندن مرزهای کشور بدان حد و حدود باشند. بدین سان و طبق این ایدئولوژی هرگاه نیرو و توان کافی را در خود می‌دیدند درصدد برگرداندن مناطق ازدست‌رفته هخامنشی و رساندن مرزهای کشور به مرزهای عصر پیشین بودند. در این باره آمده است که اردوان (۱۲ م - ۳۹ یا ۴۰ م) پس از رهایی از بحران‌های داخلی و تثبیت قدرت خویش، با اشاره به مرزهای ایران و مقدونیه در زمان هخامنشیان و با این ادعا که جانشین کوروش و اسکندر است، مدعی سرزمین‌هایی شد که روزگاری به تصرف اسکندر درآمده بودند و بنا بر گزارشی به کاپادوکیه حمله کرد^۲ و طی نامه‌ای توهین‌آمیز نیز تیبریوس را به رویارویی خواست. (Tacitus, 1969; 31. Dio, 1969; 23-26). نیز نک: ولسکی، ۱۳۸۳: ۱۳). بدین سان اندیشه‌ی حفظ و تصاحب مرزهای هخامنشی، که اشکانیان خود را میراث‌دار حقیقی آن‌ها می‌دیدند، باعث گردید که شاهان اشکانی بارها برای تصاحب ایالات واقع در بین‌النهرین و سوریه و ارمنستان تا درون مرزهای رومی پیش روند و حتی فلسطین و یهود را که روزگاری تحت تابعیت هخامنشیان بودند به سمت خود جلب نموده و به حمایت از آن‌ها برخیزند (بیوار، ۱۳۷۳: ۱۵۸، ۱۷۹).

از این رو اشکانیان در غرب، گسترش مرزهای خود را دنباله خط سیر هخامنشیان دانسته و با این نگرش جهت توسعه را به سوی غرب و رویارویی با امپراطوری روم سامان بخشیده و در نتیجه جنگ‌ها، طی توافقی با رومیان (و البته به هنگام ضعف قدرت شهریار اشکانی: فرهاتک) عاقبت «فرات» به عنوان مرز بین اشکانیان و رومیان پذیرفته شد. (استرابو، ۱۳۷۰: ۳۷. Lieu, 1998; 69).

بنابراین با وجود این که به دلیل بحران‌های جانشینی و قدرت‌گیری و جاه‌طلبی ملوک‌الطوایف، اشکانیان نتوانستند ایده‌ای را که در سر داشتند - رساندن مرزها به حدود دولت هخامنشی - عملی کنند، با وجود این کوشیدند مرزی را که از همان ابتدا، طرفین (ایران و روم) به عنوان سرحد پذیرفته بودند، نگه‌دارند. آنان هیچ‌گاه، حتی در زمان ضعف، عقب‌نشینی از این مرز طبیعی (فرات) را نپذیرفته و سرانجام توانستند قلمرویی با

حدود مشخص (که در غرب محدود به مرز طبیعی فرات می‌شد) را به ساسانیان منتقل سازند. بر این مبنای قلمرویی که همواره حتی به هنگام ضعف بر حفظ و حراست از آن پای فشرده و کشور و حدود و متصرفات پارتیان را شامل می‌شد سرزمین‌های بین کوه‌های قفقاز و دریای گرگان در شمال، رودهای جیحون و سند در شرق، دریای عمان و خلیج فارس در جنوب و رود فرات در غرب بود (سرفراز، فیروزمندی، ۱۳۹۳: ۲۰۴).

در بخش پایانی این بحث، در خصوص آگاهی اشکانیان از سلسله ایرانی پیش از خود و تداوم سیاست خویش در راستای تداوم سیاست هخامنشیان سخن می‌رود. افزون بر گزارش‌هایی که در منابع رومیان در این خصوص وجود دارد، گفتنی است که سیاست‌های داخلی اشکانیان در مدیریت امور نمایانگر آگاهی آن‌ها از عملکرد هخامنشیان و سعی در دنباله‌روی از آن سیاست‌هاست؛ به طوری که سیاست کوچ اقوام (به منظور رفع اغتشاشات و بهره‌گیری از توان نظامی آنها)، استفاده از مزدوران در امر سپاهیگری، استفاده از عناوین مهم رایج در عصر هخامنشی (همچون شاهنشاه و...) و خطوط مندرج در سکه‌های هخامنشی و همچنین این که اشکانیان آشکارا خود را از نسل اردشیر دوم هخامنشی می‌خواندند (ولسکی، ۱۳۸۳: ۸۸-۹۵؛ Gobel, 1960: 35-36; Dabrowa, 2007: 131).^۳ خود گویای پیوستگی این خاندان با سلسله هخامنشی است. در این باره می‌دانیم که حتی بنیانگذار اشکانیان در سکه‌هایش آگاهانه از سکه‌های سلوکی فاصله می‌گیرد تا بر آرمان‌های ملی و شاهی خود تأکید کند و خود را کارنی (گرنی؛ اتوکرات یونانی) می‌نامد؛ عنوانی که پادشاهان بزرگ هخامنشی همچون کوروش کوچک به کار برده بودند (Abagarians, Sellwood, 1971: 103ff) این در حالی است که همچنین اشکانیان به عنوان پل ارتباطی بین هخامنشیان و سلسله ساسانیان مطرح بوده و با توجه به این که ساسانیان نیز به گواهی منابع یونانی، پهلوی و اسلامی خود را از نسل هخامنشیان برمی‌شمردند، (بلعمی، ۱۳۸۵: ۶۱۸. نامه تنسر، ۱۳۵۴: ۹۱-۱۰۱، Herodian, 1970, VI, 1-2) می‌توان گفت این خود آگاهی تاریخی نمی‌توانست پس از بیش از پنج سده (۳۲۱م-۲۲۴م) به ساسانیان، از طریق و راهی غیر از اشکانیان منتقل شده باشد؛ بنابراین آنچه مشخص است پادشاهان پارتی خود را به هخامنشیان بسته و عهدنامه‌های هخامنشی را احیا کردند (Neusner, 1963: 45ff).

استحکامات مرزی در روزگار اشکانی و اهمیت و کارکرد آنها

قوم نوحاسته اشکانی در مرحله بنیادین در ردیف نخستین امپراتوری‌های بسیار منسجم با دیوان سالاری پیچیده در جنوب غربی آسیا بوده است (Wenke, 1981; 303) و البته از خاستگاه تمدنی و فرهنگی غنی‌ای برخوردار بود (نک: لوزینسکی، ۱۳۸۰، ۵۱-۵۳) با سلطه بر قلمرویی که توسط سلوکیان اشغال شده بود، دستاوردهای مادی خویش را در زمینه معماری و به ویژه با بنیاد استحکامات دفاعی و معماری به کار گرفته و به سرعت مرزهای ایران را با قلعه‌های تسخیرناپذیر مستحکم ساخت. بنابراین افزون بر معین ساختن و معرفی مناطقی چون کوه‌ها و رودها به عنوان مرزهای طبیعی، که اقتباسی بود از اقدامات هخامنشیان در این راستا، (نک: کاویانی پویا، ۱۳۹۴: ۵۳-۶۲) یکی از ترفندها و شیوه‌های پاسداری اشکانیان از مرزها، بنیاد بناهای مستحکم مرزی، دیوارهای دفاعی و شهرهای تدافعی بود که حد و حدود قلمرو اشکانی را نشان می‌داد و اهمیت مرزداری را نزد این سلسله ایرانی از طریق این عمارات می‌توان دریافت. در این باره طبق شواهد موجود، در شمال غرب سرزمین اشکانیان به نظر می‌رسد دیواری وجود داشته است که به عنوان مرز (مصنوعی) اشکانیان محسوب می‌شده است و با عنوان «در آلانیان» و «در بند قفقاز» (در عصر اسلامی اعراب آن را باب‌الابواب خواندند) (ابن خردادبه، ۱۹۶۷: ۱۲۳-۱۲۴. اصطخری، ۲۰۰۴: ۲۱۹)، در میان تنگه‌ای که بین رود اترک و کوه‌های قفقاز قرار گرفته بود، ایجاد شده بود. در بند قفقاز که به سبب جلوگیری از تهاجمات بیابانگردان ماوراء قفقاز به مناطق جنوبی بنا گردیده بود، چندبار در طول تاریخ ایران باستان تجدید شده است و نباید بنای اولیه این مرز مصنوعی که به هنگام هجوم اعراب توسط «مرزبانی» محافظت می‌شد، (طبری، ۱۳۷۵: ۳۹۳۶/۹) را در دوران ساسانیان پنداشت زیرا در تاریخ «آگاتانجلوس» در مورد کاربرد این مرز (دیوار) آمده است که با مرگ واپسین شه‌ریار اشکانی (اردوان چهارم) خسرو شاه اشکانی ارمنستان، سپاهی از آلانیان و گرجیان فراهم کرد، در آلانیان را گشود و از آن راه به ایران تاخت (آگاتانگلوس، ۱۳۸۰: ۳۱. نفیسی، ۱۳۸۷: ۱۶۴).

بنابراین یکی از شگردهای پارتیان به ویژه در مناطق مرزی بنیاد و تقویت استحکامات بوده است. در این بین مرزهای شمال شرقی که به سمت توران بود دائماً در معرض تهدید طوایف بیابانگرد قرار داشت و پارتیان با احداث قلعه‌ها و استحکاماتی آن را مورد حفاظت

قرار می دادند. از جمله این قلاع می توان به آگدیر در کنار رودخانه اوزبوی، رود قدیمی میان دریاچه های آرال و خزر یا قلاع آجری دورنالی، چیچانلیک تپه، آکچاتپه، سیروک، کهنه کاهکا، کیرک تپه، دوقلعه، گوبو کلی تپه و دژهای دیگری در مرغیانا اشاره کرد. بسیاری از این استحکامات به اندازه کافی بزرگ بودند که جمعیت شهری را در خود مسکن دهند، اما در برخی موارد فقدان ویرانه های ظاهری حاکی از کاربرد کاملاً نظامی محوطه است (هوف ۱۳۷۴: ۱۸) که سبب می گردد این بناها را استحکاماتی تدافعی و مرزی و علت احداث آن ها را حفظ قلمرو پنداشت. به واقع اشکانیان به سبب یورش های گاه و بیگاه برخی قدرت ها به قلمرو شرقی و حساسیت بر سر این مناطق در تحکیم و استحکام بناهای واقع در این مناطق مرزی و پاسداری از آن ها بسیار کوشیدند. به طوری که یک سیستم دفاعی عظیم شامل تعداد زیادی پایگاه مرزی و استحکامات نظامی در منطقه هیرکانیا/ گرگان برای محافظت در مقابل یورش های قبایل چادرنشین بنیاد گردید که هر چند از قدیم این مکان به عنوان دیوار الکساندر بزرگ شناخته می شود اما هیچ شواهد واقعی وجود ندارد که فاتح یونانی نقشی در ساختن آن داشته است.^۴ در هر حال، این مکان قطعاً در دوره تسلط اشکانیان وجود داشته است و آشنایی اشکانیان را با مسائل سازماندهی و حفاظت از قلمروهای استراتژیک و حاصلخیز مثل گرگان نشان می دهد (Krzysztof, 2008).

از دیگر شهرهای مرزی که به عنوان شهری دفاعی در مقابل همسایگان شرقی قرار داشت، نسا و مرو بود. نسا باستانی از دو بخش نسا قدیم و نسا جدید تشکیل می شد. نسا قدیم از یک شهر محصور بر روی تپه ای که بیرون از حصار شهر بود، بنا شده بود. ارگ یا دژ نسا که طبق لوح گلی که در آن پیدا شده توسط مهرداد اول (۱۷۱ تا ۱۳۸ پیش از میلاد) ساخته شده و «مهرداد کرت» نام داشت، دیواره هایی بین ۲۵-۲۰ متر ضخامت و ۵ متر ارتفاع داشت و از گل ساخته شده و نمای آن با آجر پوشانده شده بود (هرمان، ۱۳۷۳: ۳۵. سرفراز، ۱۳۹۳: ۲۱۶-۲۱۷). همچنین در کنار استحکامات مرزی نسا می توان به گیاور قلعه^۵ در مرو اشاره کرد که به عنوان مرکز مرغیانا مهم ترین نقش را به عنوان یک شهر و همچنین دژ ایفا می کرد. در زمان سلوکیان و پادشاهی آنتیوخوس اول (۲۸۱-۲۶۱ پ.م) «مرو آنتیوخوس» یا همان گیاور قلعه ساخته شد و طی دوره های پارتی و ساسانی بر استحکامات و وسعت شهر افزوده شد (Herrmann, & Kurbansakhatov, 1994, Vol. ۱).

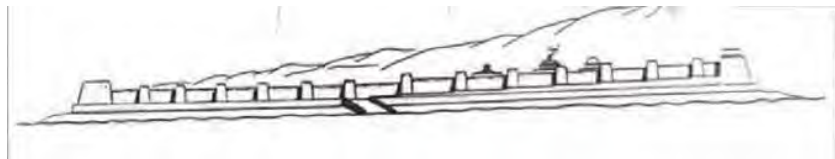
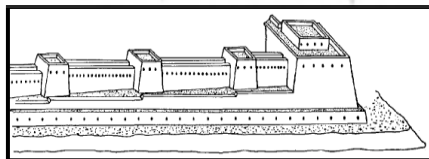
32/54). در یک چشم‌انداز کلی و به عنوان یک شهر مرزی و مستحکم «مرو» واقع در شمال شرقی قلمرو پارتیان (در کشور کنونی ترکمنستان و در حاشیه جنوبی بیابان قره‌قوم) از نظر باستان‌شناسی تنها به دلتای مرغاب منتهی نمی‌شود بلکه این منطقه به قسمت‌های جنوبی و امتداد مسیر رودخانه امتداد داشته است (Hiebert and et al, 1995: 1359). ارگ قلعه قدیمی‌ترین سازه‌ای است که تاکنون از مرو گزارش گردیده و به روزگار هخامنشی (سده ششم پیش از میلاد) بنا نهاده شده است (Krzysztof, 2008) و به عنوان دژ نظامی در مرکز دیوار دفاعی شمالی قرار گرفته است. این قلعه امروزه ارتفاعی در حدود ۲۰ متر و مساحتی در حدود ۱۲ هکتار دارد. دیوار دفاعی مرو که دیواری طولانی و عظیمی بوده و در مقابل یورش صحراگردان بنا نهاده شده بود، آجری با ملات گچ و ساروج ساخته شده و ارتفاعی در حدود ۱۲ متر داشته است (Herrmann and et al, 2001: 16) و اشکانیان با توجه به اهمیت سیاسی و اقتصادی شهر مرو آن را به صورت دایره‌شکل بنا نهادند، زیرا این دیوار کمربند دفاعی شهر و قلمرو شرقی اشکانیان به شمار می‌رفت (گیرشمن، ۱۳۹۰: ۳۴).

اشکانیان همان‌گونه که در مورد شهرهای مرزی شرق قلمرو خود عمل کردند در استحکام و نگاهداشت قلمرو غربی و مرزهای این خطه از کشور نیز کوشیدند. در این بین حتی وجود خصم نیرومند و توسعه‌طلبی چون رومیان که به معنای واقعی سیاستی امپریالیستی در قبال دیگر قدرت‌ها را دنبال می‌کردند، این توجه و رویکرد به مرزهای غربی و حساسیت در حراست از آن‌ها را نزد شهریاران پارتی دوچندان می‌کرد. در واقع پس از فتوحات مهرداد اول و سلطه بر منطقه‌ای که از کرخه در امتداد کرانه‌های خلیج فارس تا مصب رود ایندوس (سند) در درهٔ سند امتداد می‌یافت (بیوار، ۱۳۷۳: ۱۳۷) مهرداد دوم در غرب با استخدام چند هزار سرباز بومی که آشنایی کاملی با منطقه داشتند تا خاراکس پیش رفت و پادشاهی بین‌النهرین شمالی از قبیل آدیابنه و اسروئنه را به ایالات تابع بدل ساخت (Badian, 1964: 157) و شهر مرزی دورا اروپوس را به تصرف درآورد. بدین‌سان مرزهای مهرداد دوم در بین‌النهرین به ناحیهٔ زوگما^۶ تا نیسیه فورיום^۷ کنار رود فرات امتداد یافت (ولسکی، ۱۳۸۳: ۱۰۳). پیگولوسکایا، ۱۳۴۶: ۵۳) و علاوه بر آن سراسر کشور ایران و خاک کردستان و شمال بین‌النهرین را دربرگرفت (دوبواز، ۱۳۴۳: ۳۵) به گونه‌ای که با برنامه‌ای از پیش طراحی شده، دولت‌های کوچک شمال بین‌النهرین، یعنی شهرهای گوردی‌ین،

آدیابی و اُسروئن به عنوان دولت های دست نشانده مطیع پارتیان شدند (ولسکی، ۱۳۸۳: ۱۰۳) و با رسیدن به جنوب ایران (خلیج فارس) مشکل میانرودان تا حدود زیادی این گونه حل شد. اشکانیان با توجه به خصم نیرومندی چون رومیان، که به مناطق جنوبی و جنوب شرقی دریای سیاه دست انداخته و همواره به فکر پیشروی به سوی ارمنستان بودند، در بنیاد استحکامات و شهرهای حصین در این خطه نیز کوشیدند. می توان گفت در کنار مرزهای طبیعی دربند قفقاز ضرورت داشت که مرزهای مصنوعی نیز در مقابل هجوم بیگانگان، به ویژه در ارمنیا بنیاد گردد. بدین منظور شهری با استحکامات تدافعی و دژهای مستحکم که مانعی در مقابل این یورش ها شود، با عنوان «آرتاکسات» بنا گردید. البته در مورد علت بنای این شهر آمده است که در زمان پادشاهی آرتاشس فرزند تیگران (۱۹۵-۱۵۹ ق م)، که گفته می شود ارمنستان در روزگار و به جهد وی توسعه یافته و آباد شد (الچبیگیان، ۱۳۸۲: ۷۹) به منظور توسعه بازرگانی و پیشرفت صنعت دستور داد تا در کنار رود ارس شهری بنا کنند و آن را با طرح های زرانودود مزین کرده و نامش را آرتاشات (آرتاکسات) نامید. سپس برای جذب و جلب بازرگانان، پایتخت را به آنجا منتقل ساخت و یهودیانی را که در ارمنستان زندگی مرفهی داشتند، بدین منطقه کوچاند و اینان در رونق این شهر نقش مهمی ایفا کردند (پاسدرماجیان، ۱۳۶۹: ۳۶-۴۱). البته این شهر، دومین پایتختی بود که در ارمنستان بنا شده و غیر از شهر تیگراناکرت (پایتخت نخستین و مهم ارمنیا) بود که به دست تیگران کبیر ساخته شد (نک: پلوتارخ، ۱۳۸۰: ۳۴۵). در اهمیت این شهر گفتنی است که استرابو در جغرافیای خود هنگام ذکر شهرهای ارمنیه، این شهر را (با عنوان: آرتاکسته/آتاکسیاسته) به عنوان نخستین شهر ارمنی ذکر می کند و البته می آورد که معروف است این شهر را هانیال کارتاژی بنیاد گذاشته بود، اما نامش را از آرتاکساس شاه اقتباس کرده است. به هر روی به گزارش این مورخ و جغرافیدان شهر اشکانی مزبور در ساحل رود ارس (ارکس) واقع شده و به عنوان مقری سلطنتی دورتادور آن را دیواره های مستحکم، رودخانه، خاکریز و خندق دربر گرفته بود. (استرابو، ۱۳۷۰: ۵۷) بنابراین این بنا که به عنوان دژی مستحکم در برابر یورش های بیگانگان به ایفای نقش می پرداخت، گرچه نتوانست همچون هتره/الحضر تسخیرناپذیر بماند و گاهی در دوران های مختلف (اشکانی و ساسانی) تسخیر شده و باروی آن فرو ریخت (آگاتانگوس، ۱۳۸۰: ۴۲؛ پیگلسکایا،

۱۳۸۷: ۱۰۵) اما همواره به عنوان سنگر و باروی مستحکمی در برابر هجوم‌های فرامرزی که از غرب به قلمرو اشکانی صورت می‌گرفت، عمل کرد.

باری اشکانیان بدان گونه که اسناد مادی و مکتوب گواهی می‌دهند در مواجهه با مرزها و مناطق غربی، حتی بیش از قلمرو شرقی، بر روحیه مرزداری خویش افزوده و برای حفظ مناطق غربی، افزون بر موارد فوق‌الذکر، در منطقه مهم و استراتژیک فرات استحکامات و شهرهای مرزی مهمی چون «دورا اروپوس» بنیاد گذاشتند (VII: 589-594 Leriche) که از جنبه استحکامات مهم‌ترین شهر مرزی محسوب شده و دیوار و برج و باروی مستحکمی بر آن ساخته شده بود (هاوسر، ۱۳۹۲: ۷۹۳؛ لوکونین، ۱۳۷۷: ۱۱۳-۱۱۴؛ ولسکی، ۱۳۸۳: ۱۰۳). این شهر در ساحل راست فرات با دیوارهای محکم و سازه‌های نظامی‌اش و نیز موقعیت استراتژیک آن برای سال‌ها نقش مهمی در مرز غربی اشکانیان بازی کرده است (Krzysztof: 2008). در دورا اروپوس که گفته می‌شود در روزگار سلوکوس اول (۳۰۳ ق.م) و توسط سردار سلوکی نیکاتور بنا گردیده اما در روزگار اشکانیان بالید و به شکوفایی رسید (Lerich, 1996, 589 MacKenzie), خندق‌ها، باروها و طرح چهار گوش برج‌ها برای دفاع در برابر ضربات سنگین دژکوب‌ها طرح‌ریزی شده و تدابیر امنیتی ویژه‌ای برای به تحت کنترل در آوردن منطقه، مزغل‌ها در جلوی دیوارها و دروازه‌ها به کار گرفته شده بود (Gerkan, 1939: 4-61). استحکامات و اهمیت این شهر مهم مرزی بین پارتیان و رومیان، به گونه‌ای بود که در اوایل دوران ساسانی اهالی این شهر از ساسانیان نوپاروی گردانده و به دلیل موقعیت مناسب دورا اروپوس تا روزگار شاپور اول این شهر به عنوان پایگاه مقدم رومیان در کنار فرات و مرز ایران بود. (لوکونین، ۱۳۸۴: ۹۱. Leriche, MacKenzie, 1996: 591-593).



دیوار دفاعی نسای قدیم (Bergamini, 1987: 200) سید سجادی، ۱۳۸۳: ۴۹۹-۴۹۴)

اطلاعات بیشتر در مورد معماری نظامی اشکانی و شهرهایی با دیوارهای دفاعی مستحکم از بین‌النهرین در دست است که نشان می‌دهد توسعه این معماری در آنجا تحت تأثیر نیرومند تمدن‌های غربی و بابلی رخ داده است. در نتیجه دیوارهای عظیم و مجهز به قلعه‌هایی در فواصل منظم یک سنت قدیمی است که دست کم به عصر برنز اولیه برمی‌گردد، هم به لحاظ ساختمان‌های نظامی منظم و هم در دیوارهای شهر. در این بین مجموعه‌های دفاعی هاترا، نصیبین، نیپور و دورا اروپوس در رابطه با بحث معماری نظامی اشکانیان شایسته توجه خاصی هستند. بر این اساس افزون بر نصیبین، که از آن به عنوان «شهر مرزی» با استحکامات ویژه نام برده شده است و گذر از دیوارهای آن غیرممکن بود و با دستگاه‌های دیوارشکن آن زمان، قابل شکستن نبود (پیکولوسکایا، ۱۳۸۷: ۸۱). «هاترا»^۸ بین دو رودخانه‌ی دجله و فرات در بخش شمالی بین‌النهرین، بدون شک بهترین مثال از یک شهر مستحکم است که از دوره اشکانیان در بین‌النهرین حفظ شده است. در مورد این شهر که به عنوان شبکه دفاعی (مرزی) اشکانی در برابر رومیان به شمار می‌رود (هاوسر، ۱۳۹۲: ۷۹۸) براساس اسناد موجود تاریخی و باستان‌شناسی مطلعیم که شهری دایره‌ای شکل بوده و دارای چندین خط دفاعی است: خندق، استحکامات بخش بیرونی دیوار، دیوار اصلی و دیوار دفاعی دوم؛ به علاوه دارای چهار دروازه در چهار جهت اصلی است (هاوسر، ۱۳۹۲: ۷۹۳-۷۹۶، ۴۷). *Gawlikowski, 1994: 47*. عرض هر کدام از دو دیوار شهر ۳ و ۲/۵ متر و فاصله بین دو دیوار ۱۲ متر در بخش دروازه شمالی شهر بود (نک؛ محمدی فر، ۱۳۸۷: ۱۷۶) و باروی قطور شهر هاترا که به محیط دایره‌ای به مسافت ۶ کیلومتر بوده، سه متر پهنا و ده متر ارتفاع داشته و در بیرون آن خندقی حفر شده بود، پایگاهی دائمی و دژ مستحکمی در برابر پالمیر و پادگان‌های رومی بود که توانست بارها بزرگ‌ترین تهاجمات را دفع کند (*Schmitt, 2003, 60-61*). دوبواز، بی‌تا: ۲۱۳؛ آیلرز، ۱۳۷۳: ۶۰۲). این شهر نقشه‌ای کمابیش مدور داشت که این طرح مدور از موقعیت دفاعی طبیعی بهره می‌برده در حالی که دیوارها با تعدادی قلعه طرح‌ریزی مجهز شده و چهار دروازه شهر از قالب‌های سنگی ساخته شده بودند. لشکریان دشمن می‌بایست نخست با شبکه‌ای از سنگرها مواجه می‌شدند که مسیر آن‌ها را قبل از این که بتوانند حقیقتاً به هاترا حمله کنند، سد می‌کرد (*Krzysztof, 2008. Gawlikowski, 1992; 52*).

به واقع افزون بر مهارت و بهره‌مندی ساکنان هتره از فنون خاص دفاعی (نک: فواد سفر و محمدعلی مصطفی، ۱۳۷۶: ۲۹-۳۴) با توجه به این استحکامات و به دلیل این معماری خاص نظامی بود که حتی با وجود سقوط شهرهای مهمی چون سلوکیه و تیسفون و به هنگامی که شهریاران اشکانی را یارای ارسال نیرو بدین شهر نبود، ساکنان هاترا در پناه دیواره‌های هاترا ایستادند و سه یورش سنگین رومیان را در دوره‌های مختلف و متناوب (سال‌های ۱۹۳-۱۹۷ م، ۱۱۶ م) دفع کردند (Schmitt, 2003; 59-61) و بدین گونه شیرینی پیروزی آنان را در پیشروی به مرزهای ایران به تلخی تحقیر آمیزی مبدل ساختند. در این بین گفتنی است که حتی با وجود سقوط سلسله اشکانی یورش اردشیر بابکان به هاترا سبب گردید که دشمنی اهالی هاترا با رومیان به دوستی و اتحاد مبدل گردد و هاترا احتمالاً وارد سیستم دفاعی رومیان، یعنی بنای استحکامات مرزی گردید که به ابتکار شاهان روم در شمال بین‌النهرین معین گشته بود (فرای، ۱۳۷۳: ۲۲۵). بدین گونه این شهر مرزی توانست در مقابل سلسله نوپای ساسانی بیش از ربع قرن بایستد و عاقبت نیز اگر گزارش برخی مورخان را باور داریم، ساسانیان با خیانت شاهدخت این شهر توانستند به این شهر مرزی و درون دیواره‌های مستحکم آن راه یابند (باسورث، ۱۳۷۳: ۷۰۹. نولدکه، ۱۳۸۸: ۶۷).

اشکانیان همانند استحکامات غربی در مرزهای جنوب غربی قلمرو خویش و در حاشیه خلیج فارس و مناطقی که با استقرارگاه اعراب و اقوام کوچرو مجاور بود نیز قلاع و دژها و استحکامات مرزی برپا داشته بودند. به گونه‌ای که در جنوب شرق سواحل عربی خلیج فارس و در نزدیکی تنگه هرمز قلعه‌ای با برج و باروی نظامی ساخته بودند که همچون دژهای سنگی مرزهای بین‌النهرین، با موقعیتی استراتژیکی نقش مهمی در مرزداری و حراست از قلمرو اشکانی ایفا می‌نمود (Potts, 1990: 275. Potts, 2001: 57-58). همچنین در شمال شرق شبه جزیره عربستان شهری وسیع و حصاردار با دیواره‌های سنگی (با نام؛ تاج / تاج) بنیاد کرده بودند که سدی مهم در برابر یورش‌ها بوده و با برج‌هایی که در گوشه‌های برج‌های این شهر تعبیه شده بود، به عنوان شهر و حصار مرزی در روزگار اشکانی و حتی در عصر ساسانی مورد استفاده قرار می‌گرفت (Potts, 1990; 30-38).

در واقع در مورد معماری اشکانی گفتنی است که در این روزگار تحول و تغییرات تازه‌ای در شیوه معماری پدید آمد، بدین ترتیب که شهر را به صورت دایره‌ای می‌ساختند و

بر گرد آن به سنت کهن دیواری بلند می کشیدند و این امر البته ابداعی ایرانی بود، زیرا پیش از برخورد اشکانیان با رومیان این نوع معماری را در شهر قدیمی نسا و مرو شاهدیم؛ بنابراین این نوع معماری که بسیار جنبه تدافعی داشت در مناطق مرزی کارآمدی فراوانی داشت و اشکانیان با آشنایی به امتیاز شهرهای دایره‌ای - که دفاع و حراست آن آسان‌تر از طرح‌های هیپودام (مستطیل شکل) بود - حتی در هنگام آرایش نظامی، لشکریان خود را با طرح دایره‌ای تجهیز می کردند و این درست برخلاف آرایش مستطیل شکل رومی بود (سرفراز، ۱۳۹۳: ۲۱۴).

یکی از شگردها و سیاست‌های اشکانیان در زمینه مرزبانی - که البته اقتباسی بود از سنتی هخامنشی - این بود که شهریاران پارتی، برخی از ممالک مغلوبه و یا حکمرانانی را که داوطلبانه ذیل سیطره قدرت اشکانی قرار گرفته بودند همچنان در سمت پیشین ابقا می کردند و حتی بدانها تا حدود زیادی خودمختاری و استقلال می بخشیدند (نک: لوکونین، ۱۳۷۷: ۱۱۰-۱۱۱) تا بدین طریق بتوانند از نیرو و ظرفیت دفاعی آن‌ها در اداره قلمرو و حراست از مرزها بهره‌مند گردند. بر این اساس و طبق این سیاست بود که مهرداد دوم با سپردن مناطقی به سکاها از این مرزداران به نحو مطلوبی در حفظ قلمرو اشکانیان بهره برد (نک: ورستاندیک، ۱۳۸۶: ۱۳۲) و همین‌گونه نیز برخی دولت‌های ایرانی و اعراب بیابان‌نشین که تابع پارت‌ها بودند به تدریج بر شهرها و مراکز تمدنی مرزهای غربی امپراتوری راه یافتند و پادشاهی‌های کوچکی را در کنار مرزهای غربی دولت اشکانی پدید آوردند (دیاکونف، ۱۳۵۱: ۷۶). دولت اشکانی نیز از اینان به عنوان مرزداران و از استحکامات قلمرو آنان به عنوان منطقه‌ای دفاعی در مقابل یورش بیگانگان بهره‌برده و حدود اصلی قلمرو غربی اشکانیان به منتهی‌الیه خطه غربی این قدرت‌های تابع، محدود و منتهی می گردید. در این بین قدرت‌های کوچکی همچون «خاراکس هوسپائوسینس» در دهانه خلیج فارس، «الحضر یا هاترا» در شمال غرب آشور، «اسروئنه» در شمال بین‌النهرین و «آدیابن» در جنوب بین‌النهرین و شمال خاراکس از پادشاهی‌های کوچک مرزهای غربی شاهنشاه اشکانی به شمار می آمدند. بدین سان قلمرو این قدرت‌های کوچک، حدود مرز اشکانیان را در غرب مشخص می ساخت و مناطق مستحکم دفاعی و مرزی آن‌ها و ساکنان آن مانعی در برابر تهاجمات روم و اعراب بدوی بود. نکته مهم این که از طریق بررسی‌های

علم زبان‌شناسی می‌توان دریافت که نام این مناطق خود گویای ویژگی خاص و کاربرد آنهاست. بدین گونه که در کنار «نصیبین» که به قول یکی از مفسران آثار استفان بیزانسی؛ معنای «سنگ» و «ستون» را در خود دارد و این نام البته می‌تواند به سبب استحکام دیواره‌های دفاعی این شهر باشد (پیگولوسکایا، ۱۳۸۷: ۷۶). شهر «خارا کس» واقع در کرخا که در حوزه خلیج فارس از سوی اشکانیان اعمال نفوذ می‌کرد (Gregoratti, 2011: 209-229)، در خود معنای «ماندگاه/ شهر مستحکم» را داشت و شاه این منطقه «هوسپائوسنس» دارای عنوانی بود که احتمالاً اشکانیان به واسطه خویشکاری وی آن را بدو داده بودند، زیرا این نام برگرفته از *hu-Spasuina* به معنی «نیکو پاسداری کردن» بود (باسورث، ۱۳۷۳: ۷۰۸، ۱۳۷۳: ۵۴، Bellinger, 1942). عنوانی که پاسداری از قلمرو و مرزهای جنوب غربی اشکانیان را به ذهن متبادر می‌ساخت (see; Nodelman, Sheldon, 1960; 83). البته ناگفته نماند که شهر خارا کس در مرز غربی اشکانیان، دیواره‌های بسیار مستحکم دفاعی را (به ارتفاع ۴/۶ متر) دارا بود و بدین سبب منابع آن را «دژ هوسپائوسینس» نیز می‌خواندند (Colledge, 1977; 10). شول، ۱۳۹۲: ۶۳۰). جالب این که هاترانیز در شمال میانرودان و به عنوان شهر مستحکم و پایگاه مرزی اشکانیان، از سوی پژوهشگران «مرز، سرحد و چین» معنا شده (Schmitt, 2003; 58-59) و با دیواره‌های دفاعی که باروی اصلی بیش از سه متر پهنا و ده متر بلندا داشته و خندقی به پهنای هشت متر و ژرفای چهار تا پنج متر، از مرزهای مهم و سرحد تدافعی پارتیان قلمداد می‌شود (نک: هاوسر، ۱۳۹۲: ۷۷۰).

نتیجه‌گیری

اشکانیان با آگاهی از قلمرو و مرزهای هم‌خامشیان به عنوان میراث‌داران این سلسله سعی در بازگرداندن سرزمین‌های مجزاشده و الحاق آن به قلمرو خویش بودند؛ بنابراین تا بدانجا که مقدور بود و تا جایی که توانایی ایشان اجازه می‌داد برای تحقق این آرمان کوشیدند. براین اساس از همان روزگار تثبیت قدرت به سیستم کشورداری و مرزبانی نظم خاصی بخشیده و با بنیاد استحکامات مرزی و دیواره‌های دفاعی و همچنین مقرر داشتن مرزهای طبیعی توانستند مرزهای خویش را به‌درستی تعیین و از ممالک و قدرت‌های هم‌جوار تفکیک کنند. از این طریق قلمرو اشکانیان به عنوان کشوری با حدود و ثغور مشخص در

ایران و از سوی انیران بازشناسانده شد و حتی الگو و سرمشقی برای دُول دیگر و حکومت ساسانیان که وارث قلمرو اشکانیان شدند گردید. همچنین اشکانیان، با گماردن حاکمان و قدرت‌های بومی در مناطق مرزی و استراتژیک و بنیاد دژها و قلاع مستحکم در این مناطق سعی در مدیریت بهتر مرزها کرده و به سبب بهره‌مندی از هنر معماری خاص شهرهایی را بنیاد گذاشتند که براساس نقشه دایره‌شکل، با دیواره‌های بلند چند لایه بود که شهرهای مرو، تیسفون و الحضر دارای چنین پلانی بودند. بدین منظور در نگاهداشت مرزها و مناطق تحت تصرف تحول عمده‌ای را باعث شدند؛ زیرا از فضای دایره‌وار می‌توان بهتر و آسان‌تر از چهار گوش دفاع کرد و نیز بارو کشیدن آن هم آسان‌تر است. این شیوه شهرسازی، که به‌ویژه در مناطق مرزی با استحکامات ویژه‌ای همراه بود، را باید ابداع پارتیان قلمداد کرد که تا زمان ساسانی و ظهور اسلام ادامه یافت.

یادداشت‌ها

1- Ariya

۲- اردوان در واقع به بهانه این که در نواحی غربی همچون کاپادوکیه قومی ایرانی واقع هستند مدعی آن نواحی شده و بدین منطقه لشکر کشید. (نک: گوتشمید، ۱۳۷۹: ۱۴۴) حتی اردوان سوم یکی از پسران خود را داریوش نامید (Dio, 59.27)

۳- از طرفی می‌دانیم که اردشیر دوم پیش از جلوس بر تخت نام «آرسیکاس» داشت. (ولسکی، ۱۳۸۶: ۶۹) این نام به گونه «آرساکس» هم در متون ذکر شده است که همخوانی بیشتری با نام ارشک دارد. (نک: داندامایف، ۱۳۸۱: ۳۲۳)

۴- در واقع بررسی لندسکیپ صورت گرفته طی پروژه دیوار بزرگ گرگان در استپ‌های شرقی دیوار، منجر به شناسایی استقرار گاه‌های مهمی از دوره‌ی هخامنشی گردیده است. همچنین تفاوت در ریخت‌شناسی استقرار گاه‌ها می‌تواند بیانگر اشغال آن در مراحل مختلف (هخامنشی و پارتی) باشد. (Sauer et al, 2012; 47)

5. Kyaur kala

6. Zeu gma

7. Nicephorim

8. Haṭrā; Al. Haṭr

منابع و مآخذ

- ابن خردادبه، عیبدالله بن عبدالله (۱۹۶۷). **مسالك و ممالک**. لیدن: چاپ دخویه.
- استرابو (۱۳۷۰). **جغرافیای استرابو**. ترجمه همایون صنعتی‌زاده. تهران: بنیاد موقوفات افشار.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم بن محمد، (۲۰۰۴). **مسالك الممالک**. لیدن افسست بیروت: چاپ دارصادر.
- انوری، حسن (۱۳۸۹). «**ایران در شاهنامه**» **مجله فرهنگی و هنری بخارا**. سال سیزدهم. (شماره پی در پی ۷۷-۷۸)
- آگاتانگوس (۱۳۸۰). **تاریخ ارمنیان** ترجمه گارون سارکسیان تهران: انتشارات نائیری.
- آیلرز، ویلهلم (۱۳۷۳). «ایران و بین‌النهرین»، **تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان**. پژوهش دانشگاه کمبریج. جلد سوم. قسمت اول. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- باسورث، ک. (۱۳۷۳). «ایران و تازیان پیش از اسلام» **تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان**، پژوهش دانشگاه کمبریج. جلد سوم. قسمت اول. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بلعمی. ابوعلی محمد (۱۳۸۵). **تاریخ بلعمی (تکلمه و ترجمه تاریخ طبری)**. تصحیح محمد تقی بهار. به کوشش محمد پروین گنابادی. تهران: زوآر.
- بیانی، ملکزاده (۱۳۷۴). **تاریخ سکه از قدیمی‌ترین ازمنه تا دوره‌ی ساسانیان**. جلد ۲. تهران: دانشگاه تهران.
- بیکرمان (۱۳۷۳). «تاریخ سیاسی دوره سلوکی»، **تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان**، پژوهش دانشگاه کمبریج. جلد سوم. قسمت اول. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بیوار، ا.د.ه (۱۳۷۳). «تاریخ سیاسی ایران در دوره اشکانیان»، **تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان**. پژوهش دانشگاه کمبریج. جلد سوم. قسمت اول. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- پاسدراماجیان، هراند (۱۳۶۹). **تاریخ ارمنستان**. ترجمه محمد قاضی. تهران: انتشارات تدین.

- پلوتارخ (۱۳۸۰). **ایرانیان و یونانیان**، ترجمه احمد کسروی. تهران: نشر جامی.
- پیگولوسکایا، ن (۱۳۴۶). **تاریخ ایران (از دوران باستان تا سده‌ی هجدهم)**. ترجمه کریم کشاورز. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- پیگولوسکایا، ن (۱۳۸۷). **شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان**. ترجمه عنایت‌الله رضا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- الچیبگیان، ژاسمن (۱۳۸۲). **ارمنستان و سلوکیان**. تهران: انتشارات نائیری.
- داندامايف، محمد. آ (۱۳۸۱). **تاریخ سیاسی هخامنشیان**. ترجمه خشایار بهاری. تهران: نشر کارنگ.
- دوبواز، نیلسون (بی تا). **تاریخ سیاسی پارت، اشکانیان**. ترجمه علی اصغر حکمت. تهران: ابن سینا.
- زیمال. او (۱۳۷۳). «تاریخ سیاسی ماوراءالنهر»، **تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان**. پژوهش دانشگاه کمبریج. جلد سوم. قسمت اول. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سرفراز، علی اکبر، فیروزمندی، بهمن (۱۳۹۳). **باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی**. تهران: انتشارات مارلیک.
- سفر، فواد، مصطفی، محمد علی (۱۳۷۶). **هتورا**. ترجمه نادر کریمیان سردشتی. میراث فرهنگی.
- سیدسجادی، سیدمنصور (۱۳۸۳). **مرو بازسازی جغرافیای تاریخی یک شهر بر پایه نوشته تاریخی و شواهد باستان‌شناسی**. تهران: سازمان میراث فرهنگی (پژوهشگاه).
- شول (کیل)، مونیکا (۱۳۹۲). «مدارکی درباره تاریخ و فرهنگ خاراکنه پارتی»، **امپراتوری اشکانی و اسناد و منابع آن (مجموعه مقالات)** ترجمه هوشنگ صادقی. تهران: نشر فرزاد.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). **تاریخ طبری**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر
- کاویانی پویا، حمید (۱۳۹۴). «بررسی مفهوم قلمرو و اهمیت مرز و مرز‌داری در دوران ماد و هخامنشی». **جستارهای تاریخی**. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال ششم. شماره دوم. صفحات ۴۴-۶۶.
- گوتمید، هرمان آلفرد (۱۳۵۶). **تاریخ ایران و ممالک همجوار آن از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان**. ترجمه کی‌کاووس جهان‌داری. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- گیرشمن، رومن (۱۳۸۵). **ایران از آغاز تا اسلام**. ترجمه محمود بهفروزی. تهران: جامی.
- لوزینسکی، فیلیپ (۱۳۸۰). **خاستگاه پارت‌ها**. ترجمه رقیه بهزادی. تهران: نشر پژوهنده.
- لوکونین، ولادیمیر (۱۳۸۴). **تمدن ایران ساسانی**. ترجمه عنایت‌الله رضا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- لوکونین و.گ. (۱۳۷۷). «نهادهای سیاسی، اجتماعی و اداری: مالیات‌ها و بازرگانی»، **تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان**. پژوهش دانشگاه کمبریج. جلد سوم. قسمت دوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- محمدی‌فر، یعقوب (۱۳۸۷). **باستان‌شناسی و هنر اشکانی**. تهران: انتشارات سمت.
- دیاکونف، میخائیل میخائیلوویچ (۱۳۵۱). **اشکانیان**. ترجمه کریم کشاورز. تهران: انتشارات پیام.
- **نامه تنسر به گشنسپ**، (۱۳۵۴) تصحیح مجتبی مینوی با همکاری محمداسماعیل رضوانی. تهران: خوارزمی.
- نفیسی، سعید (۱۳۸۷). **تاریخ تمدن ایران ساسانی**. تهران: کتاب پارسه.
- نولدکه، تئودور (۱۳۸۸). **تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان**، ترجمه عباس زریاب. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ورستاندیک، آندرِه (۱۳۸۶). **تاریخ امپراتوری اشکانیان**. ترجمه محمود بهفروزی. تهران: نشر جامی.
- ولسکی، یوزف (۱۳۸۳). **شاهنشاهی اشکانی**. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: ققنوس.
- هاوسر (برلین). اشتفان (۱۳۹۲). «هترا و پادشاهی اعراب». **امپراتوری اشکانی و اسناد و منابع آن (مجموعه مقالات)** ترجمه هوشنگ صادقی. تهران: نشر فرزاد.
- هرمان، جرجینا (۱۳۷۳). **تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان**. ترجمه مهرداد وحدتی. تهران: نشر دانشگاهی.
- هوف، دیتریش (۱۳۷۴). «نظری اجمالی به پایتخت‌های ایران از آغاز تا ظهور اسلام». در **پایتخت‌های ایران**. به کوشش محمد یوسف کیانی. تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.

Archived documents

- Abagarians. T, Sellwood. D.G. *A Hoard of Early Parthian Drachms*. NC; 1971.
- Anwarī H. *Iran dar Shāhnāmih*. Madjalih Farhangī Hunarī Bukhārā: Vol. 13; 2010.
- Āgātāngighūs. *Tārīkhi Armanīyān*. Translated by: Gārūn Sārkisiyān. Tehran: Nā'irī Publication; 2001.
- Badian, E. "*Studies in Greek and Roman History*". Oxford; 1964.
- Bal'amī A'AM. *Tārīkhi Bal'amī (Tiklami wa Tardjumih Tārīkhih Tabarī)*. Editor: Muḥammad Taqī Bahār, Muḥammad Parwīn Gunābādī. Tehran: Zawwār Publication; 2006.
- Bayānī M. *Tārīkhi Sikiḥ az Qadīmītarīn Azmanih ta dōriyih Sāsānīyān*. Tehran: Tehran University; Vol.2.1995.
- Bellinger, Alfred. R. *Hyspaosines of Charax*, Yale Classical Studies 8; 1942.
- Bergamini. G. "Parthian Fortifications in Mesopotamia, *Mesopotamia* 22". pp. 195- 214; 1987.
- Bikriman. *Tārīkhi Siyāsī dōriyih Sulōkī, Tārīkhi Iran az Sulōkīyān ta Furōpāshīh Dōlati Sāsānīyān*. Cambridge University; Vol.3. No.1. Amīr Kābīr Publication; 1994.
- Bosworth C. *Iran wa Tāzīyān pīsh az Islam. Tārīkhi Iran az Sulōkīyān ta Furōpāshīh Dōlati Sāsānīyān*. Cambridge University; Vol.3. No.1. Amīr Kābīr Publication; 1994.
- Chaumont, M. L. "Etudes d Histoire Parthe II Capitals et Residences des Premiers Arsacides (III- I S. AV. J. C). *Syria*. n. 50. Pp: 197- 222. Paris: Français du Proche- Orient; 1973.
- Colledge, Malcom A. R. *Parthian Art*. New York: Ithaca; 1977
- Dabrowa. Edward. The Parthian Kingship. *Journal History of the Ancient Near East*. Concept of kingship in Antiquity. Vol 11. Held in Pad ova; 2007.
- Dandamayev M. *Tārīkhi Siyāsī Hakhāmanīshīyān*. Translated by: Khashāyār Bahārī. Kārang Publication; 2002.
- Diākunuff MM. *Ashkānīyān*. Translated by: Karīm Kishāwarz. Tehran: Payām Publication; 1972.
- Dio. *Roman History*, Translated by; Earnest Cary, Publisher London W. Heinemann. LVIII; 1969.
- Dōbwāz N. *Tārīkhi Siyāsī Pārt, Ashkānīyān*. Translated by: 'Alī Aṣghar Hīkmat. Tehran: Ibn Sīnā; (n.d.).
- Eilers W. Iran wa Biynu al-Nahriyn, *Tārīkhi Iran az Sulōkīyān ta Furōpāshīh Dōlati Sāsānīyān*. Cambridge University; Vol.3. No.1. Amīr Kābīr Publication; 1994.
- F. Hiebert, P.L. Kohl, St J. Simpson. (west). Map 98. *Merv-Bactra*. pp. 1358-1364; 1995.
- Gawlikowski Warszawa. M. "A Fortress in Mesopotamia: Hatra. New evidence on ramparts and their history". *Mesopotamia* 29. p.147-184; 1994.
- Gerkan. A. V. *Dura Europos*, the Fortifications In. M.I.Rostovtzeef et al. The Excavations at Dura-Europos: Preliminary Report of the Seventh and

- Eighth Seasons of Work 1933–1934 and 1934–1935 (Yale 1939), VII-VIII, New Haven. Conn; 1939.
- Gobel, Robert. *Numistique susienne Memoire de la mission Archeologique en Iran*, Paris 1960.
 - Gregoratti L. "A Parthian port on the Persian Gulf: Characene and its trade", *studia classica et orientalia*, anabasis 2; 2011.
 - Gīrshman R. *Iran az Āghāz tā Islām*. Translated by: Maḥmūd Bihfurūzī. Tehran: Djāmī; 2006.
 - Gūtshmid H Ā. *Tārīkhī Iran wa Mamālīki Hamdjawāri Ān az Zamāni Iskandar tā Inqirāzi Ashkāniyān*. Translated by: Kiykāwus Djahāndārī. Tehran: Tardjumi wa Nashri Kitāb Publication; 1977.
 - Hauser S. *Hitrā wa Pādishāhūh Ā'rāb. Impirātōrūh Ashkānī wa Asnād wa Manābi'ī Ān*. Tehran: Farzān Nashr; 2013.
 - Herodian. *History of the Empire*. Vol.II (Books 5-8). Loeb Classical Library (No.455). London and New York; 1970.
 - Herrmann. G, Kurbansakhatov. K. "*the International Merv Project Preliminary Report on the Second Season 1993*", Vol. 32. Published by: British Institute of Persian Studies, 1994, pp. 53-75; 1994.
 - Herrmann.G, Kurbansakhatov. K, Simpson. St. J. "*The International Merv Project Preliminary Report on the Ninth Year*. Vol. 39. Published by: British Institute of Persian Studies, pp. 9-52; 2001.
 - Herman J. *Tadhādī Hayāti Hunar wa Tamaddun dar Irani Bāstān*. Translated by: Mihrdād Wahdatī. Tehran: Dāniṣhgāhī Publication; 1994.
 - Huf D. *Nazarī Idjmālī bi Pāytakhtāyi Iran az Āghāz tā Zuhōri Islām, dar Pāytakhtāyi Iran*. Edited by: Muḥammad Yusif Kīyānī. Tehran: Sāzmāni Mīrāth Farhangī; 1995.
 - Ibn Khurdābih 'A 'A. *Masālik wa Mamālik*. Leiden; Dikhūyih; 1967.
 - Il'čbgīyān Zh. *Armanistān wa Sulōkīyān*. Tehran: Nā'īrī Publication; 2003.
 - Iṣṭakhrī AA. *Masālik wa Mamālik*. Beirut: Dār al-Ṣādir; 2004.
 - Biwar ADH. *Tārīkhī Sīyāsī Iran dar Dōriyih Ashkāniyān, Tārīkhī Sīyāsī*
 - Justin. Cornelius Nepos, *Eutropius*. translation by: Watson. John Selby. Covent Garden, London; 1853.
 - Kāwīyānī P Ḥ. *Barrisīyih Maḥḥōm Kalamrō wa Ahamīyat Marz dar Dōrān Mād wa Hakhāmanishī, Djastārḥāyi Tārīkhīhī*. Pazhūhishgāhi 'Ulūmī Insānī wa Muṭālī'āti Farhangī. Vol.6, Issue.2, pp. 44-64; 2015.
 - Kent, Roland. *Old Persian, grammar, texts, lexicon*. New Haven: American Oriental Societ; 1953.
 - -Krzysztof. Jakubiak. "ARSACIDS viii. MILITARY ARCHITECTURE OF PARTHIA UNDER THE ARSACIDS". *Encyclopaedia iranica*, available at <http://www.iranicaonline.org/articles>. accessed on 19 May 2016.
 - Leriche, Pierre, MacKenzie, D. N. " DURA EUROPOS" *Encyclopaedia Iranica*. Vol. VII, Fasc. 6, pp. 589-594; 1996.
 - Lieu, Samuel N. C. " EUPHRATES". *Encyclopaedia Iranica*. Vol. IX, Fasc. 1. pp. 69-70; 1998.
 - Lōkūnīn V. *Tamadduni Irani Sāsānī*. Translated by: 'Ināyatullāh Riḍā. Tehran: 'Ilmī wa Farhangī Publication; 2005.

- Lōkōnīn WG. *Nahādihāyi Sīyāsī, Idjīmā'ī wa Idārī: Mālīyāthā wa Bāzargānī, Tārīkhi Iran az Sulōkīyān ta Furōpāshūh Dōlati Sāsānīyān*. Cambridge University: Vol.3. No.2. Amīr Kābīr Publication; 1998.
- Lōzīnskī Ph. *Khāstgāhi Pārthā*. Translated by: Ruḡayih Bihzādī. Tehran: Pzḡhōhandih Publication; 2001.
- Muḡamadī Far Y. *Bāstānī Shināsī wa Hunari Ashkānī*. Tehran: Samt Publication; 2008.
- Nafīsī S. *Tārīkhi Tamadduni Irani Sāsānī*. Tehran: Kitābi Pārsi; 2008.
- *Nāmiyih Tinsir bi Gushnashb*. Edited by: Muḡtabā Mīnawī and Muḡammad Ismā'īl Riḡwānī. Tehran: Khārazmī; 1975.
- Neusner, J. Parthian Political Ideology. *Iranica Antiqua* 3. Leiden. E.J. Brill; 1963.
- Nodelman, Sheldon A. "A Preliminary History of Charakene". *Berytus* 13. XXVII f. pp. 83-121; 1959/60.
- Nuldkī T. *Tārīkhi Iraniyān wa 'Arabhā dar Zamāni Sāsānīyān*. Tehran: Pazḡhishgāhi 'Ulōmi Insānī wa Muḡālī'āti Farhangī; 2011.
- Pāsdirmadīyān H. *Tārīkhi Armanistān*. Translated by: Muḡammad Ḳāzī. Tehran: Tadayun Publication; 1990.
- Pigulevskaia N. *Tārīkhi Ian (az dōrāni Bāstān tā Sadiyih 18)*. Translated by: Karīm Kishāwarz. Tehran: Muḡālī'āt wa Tahḡīkāti Idjīmā'ī Institution; 1967.
- Pigulevskaia N. *Shahrhāyi Iran dar Rōzigāri Pārtīyān wa Sāsānīyān*. Translated by: 'Ināyat Allāh Rizā. 'Ilmī wa Farhangī Publication; 2008.
- Potts, D. *The Arabian Gulf in Antiquity. From Alexander the Great to the Coming of Islam*. Oxford: Oxford University Press; 1990.
- Potts, D. T. "Before the Emirates: an archaeological and historical account of developments in the region c. 5000 BC to 676 AD". in Ibrahim al Abed and Peter Hellyer (eds). United Arab Emirates. A new perspective, Trident press ltd; 2001.
- Plutarch. *Iranīyān wa Yōnānīyān*. Translated by: Aḡmad Kasrawī. Tehran: Dījāmī Publication; 2001.
- Safar F, Muḡtafā M' A. *Hitrā*. Translated by: Nādir Karīmīyān Sardashtī. Mīrāth Farhangī; 1995.
- Sarfarāz 'AK, Fīrōzmandī B. *Bāstān Shināsī wa Hunari Dōrāni Tārīkhi Mād, Hakhāmanishī, Ashkānī, Sāsānīyān*. Tehran: Mārlik Publication; 2014.
- Sauer, E., Omrani Rekavandi. H., Wilkinson, T.J., Nokandeh, J., *Persia's imperial power in late antiquity, The great wall of Gorgan and frontier landscapes of Sasanian Iran*, The British Institute of Persian studies; 2012.
- Schmitt, Rüdiger. "HATRA" *Encyclopædia Iranica*. Vol. XII. Fasc.1. New York; p. 58-61; 2003.
- Shool M. *Madārikī darbāriyeh Tārīkh wa Farhangī Khārūkaniyih Pārtī, Impirātōrūh Ashkānī wa Asnād wa Manābi'i Ān*. Tehran: Farzān Nashr; 2013.
- Siyyid Sadjadī SM. *Marw Bāzsāzī Djughrāfiyeh Tārīkhiyeh Yik Shahr bar Pāyih Niwīshīyeh Tārīkhī wa Shawāhidi Bāstānī Shināsī*. Tehran: Sāzmāni Mīrāth Farhangī; 2004.

- Strabo. *Djuhgrāftāyi Strabo*. Translated by: Humāyūn Şan‘atīzādih. Tehran: Endowment Foundation of Dr. Afshār; 1991.
- Strootman. Rolf. "SELEUCID EMPIRE," *Encyclopædia Iranica*, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/seleucid-empire> (accessed on 16 April; 2015).
- Ṭabarī M. *Dj. Tārīkhih Ṭabarī*. Translated by: Abulḳāsim Pāyandih. Tehran: Asāṭīr; 1996.
- Tacitus. Publius Cornelius. "*The Annals*" Translated by John Jackson. The LOEB Classical library. Harvard University Press and William Heinemann LTD London, Book VI; 1956.
- Verstandig A. *Tārīkhih Impirātūrī Ashkānīyān*. Translated by: Maḥmūd Bihfurūzī. Tehran: *Djāmī*; 2007.
- Wenke.J.Robert. "Elemaceans. Parthians and the Evoulution of Empires in Southwestern Iran" *Journal of American Oriental Society* 101/3; 1981.
- Wolski J. *Shāhanshāhī Ashkānī*. Translated by: Murtidā Thāḳibfar. Tehran: *Ḳuḳnūs*. 2002.
- Zimal. A.W. *Tārīkhih Sīyāsī Māwarā' al-Nahr, Tārīkhih Iran az Sulḳīyān ta Furḳpāshūh Dōlati Sāsānīyān*. Cambridge University: Vol.3. No.1. Amīr Kābīr Publication; 1994.

